



در چه شرایطی «ورثه» از «ارث» محروم خواهند شد؟

مقصود از موانع تحقق ارث، اموری است که وجود هر یک از آنها، به رغم وجود شرایط وراثت، مانع از تحقق ارث می‌شود. برای اینکه بتوان وارثی را به این علت از ارث محروم کرد، باید وجود یکی از این عوامل به اثبات برسد. در صورت شک در وجود مانع، کسی که اسباب و شرایط وراثت در او جمع باشد، از متوفی ارث خواهد برد.

مقصود از موانع تحقق ارث، اموری است که وجود هر یک از آنها، به رغم وجود شرایط وراثت، مانع از تحقق ارث می‌شود. برای اینکه بتوان وارثی را به این علت از ارث محروم کرد، باید وجود یکی از این عوامل به اثبات برسد. در صورت شک در وجود مانع، کسی که اسباب و شرایط وراثت در او جمع باشد، از متوفی ارث خواهد برد. به گزارش [تابناک](#)؛ موانعی که در قانون مدنی از آنها نام برده شده عبارتند از:

۱- کفر: کافر از مسلمان ارث نمی‌برد، اما مسلمان از کافر ارث می‌برد. به استناد ماده ۸۸۱ ی مکرر ق.م. اگر متوفی مسلمان باشد، هر یک از ورثه که کافر باشد از او ارث نمی‌برد. اگر متوفی کافر باشد، در صورتیکه در جمع ورثه و زنی او، فرد مسلمانی موجود باشد، آنکه مسلمان است ارث می‌برد و مانع ارث بردن سایر ورثه که کافر هستند می‌شود. به استناد ماده ۸۸۲ ق.م. بعد از لعان، رابطه و زوجیت منحل می‌شود؛ زن و شوهر که بر هم حرام ابدی می‌شوند؛ از یکدیگر ارث نمی‌برند. همچنین فرزندی که به سبب انکار او لعان واقع شده است، از پدر ارث نمی‌برد و پدر نیز از او ارث نمی‌برد.

۲- قتل: کشتن عمدی کسی به ناحق - نه برای قصاص، دفاع یا حد و مانند آن - موجب محرومیت قاتل از ارث است. به قول مشهور، در قتل خطایی، قاتل تنها از دیه پرداختی محروم است. در این که قتل شبه عمد مانند قتل خطایی است یا حکم قتل عمد را دارد، اختلاف است. قول نخست به ظاهر کلمات بیشتر فقها نسبت داده شده است. به استناد ماده ۸۸۰ ق.م. هرگاه کسی عمداً مورث خود را بکشد، از ارث او محروم می‌شود. این حکم قانونگذار از دو جهت دارای اهمیت است. نخست آنکه محرومیت از ارث، بعنوان نوعی تنبیه و مجازات برای قاتل در نظر گرفته شده است. دیگر آنکه منع از ارث نوعی اقدام پیشگیرانه از جرم قتل نیز هست، چرا که انگیزه ارتکاب قتل را، در فرضی که وارث به طمع دستیابی به ثروت مورث به آن دست می‌زند، از بین می‌برد. لیکن در این مورد باید دانست که اگر قتل عمدی مورث، به علت مشروعی باشد، مانع از تحقق ارث نیست و به همین دلیل است که ماده ۸۸۱ ق.م. مقرر می‌دارد: «در صورتی که قتل عمدی مورث، به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده ۸۸۱ ق.م. فوق مجری نخواهد بود».

۳- برده بودن: برده بودن مورث یا وارث مانع ارث است، مگر آن که وارث، منحصر به برده باشد. در این صورت، برده - هر چند به طور قهری - از ترکه خرداری و آزاد می‌گردد و باقی مانده ترکه به او داده می‌شود.

در این که برده در هر طبقه و ای از طبقات سه گانه که باشد در صورت انحصار وارث به او، آزاد شود یا آن که این حکم اختصاص به پدر و مادر یا آنان به اضافه فرزندان می‌تواند دارد، اختلاف است.

۴- لعان: اگر مردی با همسرش برای نفی فرزند از خود، ملاعنه (لعان) کند، زن و شوهر از یکدیگر و نیز مرد از فرزند مورد لعان و بالعکس، ارث نمی‌برند.

لعان در لغت به معنی لعنت کردن است و در اصطلاح عبارت است از اظهار لعن و نفرت بین زوجین با صیغه و لعان مخصوص، با این منشا که شوهر به همسر خود نسبت زنا بدهد و یا فرزندی را که شرعاً ملحق به اوست، انکار کند. به استناد ماده ۸۸۲ ق.م. بعد از لعان، رابطه و زوجیت منحل می‌شود و زن و شوهر که بر هم حرام ابدی می‌شوند، از یکدیگر ارث نمی‌برند. همچنین فرزندی که به سبب انکار او لعان واقع شده است، از پدر ارث نمی‌برد و پدر نیز از او ارث نمی‌برد.

۵- زنا: نه زنا زاده از پدر و مادر خود ارث می‌برد و نه پدر و مادر و نزدیکان آنان از وی. به استناد ماده ۸۸۴ ق.م. طفل متولد از زنا، از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد. البته علت این حکم آنست که، به استناد ماده ۱۱۶۷ ق.م. طفل متولد از زنا، ملحق به زانی نمی‌شود؛ یعنی بین آنها رابطه و خویشاوندی نسبی به وجود نمی‌آید و نبودن توارث، بین زانی و فرزند ناشی از زنا، یکی از نتایج فقدان رابطه خویشاوندی مشروع است.